

# هفته نامه انجمن علمی، دانشجویی فرهنگساز و ارتباطات

در این نوبت خواهیم خواند:

شهید مقررری یا مقررری شهید؟

مطهری واقعی

معلم با سبب موش از والدین

آن چه شهید داشت

چرا شهید مطهری؟



## مطهری واقعی: قلم سیراز رضایی

دانشجوی مقطع کارشناسی رشته معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات

در این که مطهری، علوم دینی را یک گام به جلو برداشتی نیست. دانش و میزان مطالعات دینی و سرمایه های علمی او هنوز در میان روحانیان کم یابند است و حوزه های علمیه، دیگر نتوانستند مانند او را در دامان خود بیورند. علوم دینی، پس از او نیز بالید و به راه خود ادامه داد، اما همچنان نیم نگاهی به نوشته ها و سخنرانی های او در دو دهه چهل و پنجاه دارد.

اما در این بین فجای بزرگی که بر مطهری رفته است، بستگی به نام و چند سخنرانی کوتاه او است. به تقریب هیچ یک از آرمان ها و اندیشه های آن شهید بزرگوار، جامه عمل نپوشیده است؛ اما آثاری که آفریده، همچنان خواندنی است. مطهری، فقط آن نیست که هر سال سخنرانی کوتاهی را در روز سیزدهم فروردین درباره سیزده بدر و در روز فوس درباره اسرائیل و در روز عاشورا درباره مصائب امام حسین (ع) پیش می کند. مطهری، گفتارها و نوشتارهایی دارد که به واقع اکنون امکان پیش آنها از رسانه های سراسری و رسمی نیست.

در مجموع چهارده جلدی، یادداشت های استاد مطهری، «گاه عبارات و تحلیل هایی به چشم می خورد که من از یادآوری آنها در اینجا هراس دارم؛ اما او این سخنان را گفته است و این میراث را از خود برجای گذاشته است. نمی توان حکم به صحت مطلق این گفته ها کرد. حقیقتاً نه مطهری و نه هیچ کس دیگر، در جهان معرفت، فصل الخطاب نیست؛ اما شنیدن برخی سخنان از برخی نامداران در این سال ها، جای خالی علامه طباطبایی و شهید مطهری را نمایان تر می کند.

در انتها لازم می دایم این نکته را متذکر شویم که در این شنیدن ها برای بازخوانی مطهری باید نوعی سروش زدایی از پروژه مطهری صورت بگیرد. زیرا مفهوم سازی گفتار منطقی مطهری در دهه هفتاد خورشیدی توسط عبدالکریم سروش به انتقاد گوناگون گفتار منطقی را تبدیل به پروژه اتمام یافته ای کرد که از آن پس سخن گفتن از مطهری به معنای گفتار جریان ساز از عرصه عمومی و روشنفکری و خرد آکادمیک از مد افتاده تلقی گشت. مقصود من از "سروش زدایی" از مطهری این است که ظرفیت های متهومی این گفتار در بستر ایران هنوز به پایان نرسیده است و برشهایی که از گفتار منطقی در گوشه و کنار به چشم می خورد، تنها تلاشی است برای پروژه کلان تر بازخوانی مسائل در نگاه مطهری.

## قلم سیراز رضایی: شهید مقررری یا مقررری شهید؟

شاید بتوان شهید مطهری (نخوابید شهید مقررری) را نیز جز دیگر اندیشمندان برجسته ای دانست که ما توانستیم به خوبی او را استحاله کنیم و در کنار دیگر اساتید زنده و درگذشته، اوی واقعی اش را به فراموشی بسپاریم. گویی که خوب فهمیده ایم چگونه در هوایی که هستیم تنفس نکنیم؛ شاید تهران و هوای آلوده اش این را به آموخته باشد و شاید ...

چند سال پیش که نام شهید مطهری را می بردیم و می شنیدیم، با تمام وجود یک اندیشمند طراز اول را تجسم می کردیم، نامی که نماینده تلاش مستمر، ایده های ناب اسلامی و الگوی تلاش برای علوم انسانی اسلامی بود.

همان که امام (ره) فرزندش خواند و غم از دست رفتنش را اول به اسلام و بعد به دیگران تسلیت گفت؛ اما اکنون همین نام یادآور سختی ها و تلخی هایی است که هر هفته باید برای کسب اندکی نمره تحمل کنیم و مقررری های نجسی را ندای می کند که ما دوران نظمیه دبیرخانه در حال نظارت بر کم و کیف خوانده شدنشان هستند.

آیا واقعا دیگر او را استاد می شناسیم و خود را شاگرد؟ جای بسی تأمل است که چه شد که اینگونه شد؟ بلاشک ما نیز مقصیریم وقتی که یادمان رفت شهید مطهری کیست و شهید مطهری خواندن برای چیست؟ شاید درس هایمان را خوب نخوانده ایم و یادمان رفته است که استاد گفته بود: "من ستایشگر معلمی هستم که اندیشیدن را به من بیاموزد و نه اندیشه ها را."

تاریخ ما دو شهید دارد؛ مطهری و ... مقررری.

# پیشگامان فلسفی مکتب طهرانی، بنیان‌گذاران معرفت‌شناسی و روشنگر اندیشه‌ها آن چه همیشه داشت

نوشته درباره‌ی شخصیت عظیم فکری شهید مطهری، کاری بسیار سخت است مخصوصاً که بزرگان ما مانند امامین انقلاب از ایشان به عظمت یاد کرده‌اند و تفکرات ایشان را بنیان انقلاب اسلامی دانسته‌اند اما به خود این جرئت را می‌دهد تا در نوشته خود، فهم ناقص و افکن خود را از شخصیت فکری ایشان برای شما بازگو کند.

شخصیت فکری شهید مطهری ناشی از جمع بین عقل و نقل است و این به دلیل تسلط این اسلام شناس بر نظر بر علوم عقلی مانند فلسفه و علوم نقلی مانند قرآن و حدیث است. یعنی شهید مطهری به عنوان یک فیلسوف و فقیه تمام سعی خود را کرده است که در مقابل مکتبی نگاه صرفاً نقلی‌گرا یا صرفاً عقل‌گرا به دین درآورد و با تکیه بر روایات مختلفی که درباره‌ی عدم تناقض عقل و نقل در روایات ما آمده است متلاً روایتی از امام کاشف که عقل را حجت درونی دانسته است و با روایت دیگری که سرحدات می‌گوید عقل به همان حکم می‌کند که دین حکم می‌کند و برعکس، تمام سعی خود را کرده است تا در نگاه نقلی رایج بزرگان احکام و معارف اسلامی، دلیل عقلی و برهانی نیز بیابد تا چینه‌ی عقلانی دین مبین اسلام را در کنار چینه‌ی نقلی پررنگ کند تا تنها به چینه‌ی دین تبعیدی دین توجه نشود به طوری که استاد عقل را از منابع بهره‌ی شناخت می‌داند و نیز معتقد بودند که دلیل عقلی غیرقابل خشنه بر دلیل نقلی قابل خشنه اولویت دارد. البته شاید گفته شود که عالمان دیگری مانند علامه طباطبائی نیز از منظر فلسفی و استدلالی بحث کرده‌اند و حتی از شهید مطهری قوی‌تر ظاهر شده‌اند اما وقتی این ویژگی شهید مطهری را در کنار ویژگی‌های دیگرش قرار می‌دهیم به اهمیت شهید مطهری و شخصیت فکری ایشان پی می‌بریم.

یکی از آن ویژگی‌ها هم کلام بودن شهید مطهری با فشرده‌نمایی جامعه مخصوصاً جوانان و دانشگامیان است به طوری که از مسائل و داده‌های عامی جامعه از خود آگاه بودند و درصدد بودند تا مباحثات این مسائل را از طریق علوم اسلامی جواب بدهند و به دلیل تسلط بالای خود بر علوم اسلامی در این امر موفق بودند به طوری که امروزه نیز به دلیل شناخت دقیق استاد از مسائل، سخنان استاد راهنمای نسل جوان ما است.

و سومین ویژگی این شهید بیان پیچیده‌ترین مطالب فلسفی و عقلانی به زبان مردم بود به طوری که آثار استاد را برای عارف و عامی سودمند و فرخنده کرده است.

و این سه ویژگی و ویژگی‌های دیگر، شخصیت فکری و علمی شهید مطهری را از دیگر اندیشمندان اسلامی متمایز کرده است.

# پیشگامان فلسفی مکتب طهرانی، بنیان‌گذاران معرفت‌شناسی و روشنگر اندیشه‌ها چرا همیشه مطهری (ره)؟

اگر از شما بپوئند که خود را در چند کلمه معرفی کنید، با هر تکراری که باشید به احتمال زیاد در معرفی هویت خود از دو کلمه «وژه»، «دانشجو» و «مسلمان بودن» استفاده می‌کنید. هویت در واقع آن چیزی است که هر شخص در مقام معرفی خود به دیگران آن را بیان می‌کند. هر یک از این کلمات به ما باعث تمایز این شخص با همه‌ی آن‌ها می‌شود. «دانشجو» به کسی می‌گویند که در یکی از دانشگاه‌ها در رشته‌ی خاص در حال تحصیل است. این قید بسیاری از مردم جهان را که دانشگاهی نیست از تعریف ما خارج می‌کند. قید «مسلمان بودن» دایره را خیلی محدودتر می‌کند؛ از جمعیت ۷.۵ میلیاردی جهان حدوداً ۱.۵ میلیارد مسلمان هستند. این یعنی خارج شدن حدود ۶ میلیارد انسان از تعریف ارائه شده برای معرفی خود. حال سوال اینجاست که چیزی که باعث می‌شود ما خودمان را با قید «مسلمان بودن» از دسته‌ی کثیری از انسان‌ها متمایز بدانیم، چیست؟ صرفاً به ارتداد بودن مسلمانان از والدین این موضوع را محقق می‌کند؟ یا باید کار دیگری کرده‌اند؟ مسلمان کسی است که در سه بعد پیش، گرایش و رفتار تابع اسلام باشد؛ حضرت آیت‌الله جوادی آملی در جلد هشتم تفسیر شریف تسنیم می‌فرماید که رابطه بین سه گانه بالا عقلی و معنوی است؛ یعنی پیش درست، عملت به وجود آمدن گرایش درست و به تبع آن رفتار و عمل درست و مطابق با پیش است. به عبارت دیگر اگر ما پیش‌ها را اسلامی کنیم به تبع آن گرایش‌ها و رفتارهای انسانی نیز اسلامی می‌شود و فرد شایسته و وصف مسلمان بودن خواهد بود.

حال چگونه پیش‌ها را درست کنیم؟ دو راه وجود دارد: ۱. مجتهد شدن. ۲. پیروی کردن از مجتهد.

اعلی‌ترین دانشجویان که مجتهد نیستند، پس راه دوم متغایره تر است.

سوال بعد این است که از کدام مجتهد پیروی کنیم؟ برای شناخت مجتهد اصلاح‌پذیرترین راهی که برای دانشجویان به نظر می‌رسد اعتماد کردن به توصیه‌های بزرگان مورد توفیق و عالم در عرصه دین است. شهید مطهری (ره) یک مجتهد دینی است که سند تأیید شخصیت علمی و معنوی ایشان را علمای بزرگی امضا کرده‌اند. علامه طباطبائی شاگردان برجسته‌ی ایشانند؛ از جمله حضرت آیت‌الله جوادی آملی، حسن زاده آملی، مصباح یزدی، سید موسی صدر و... ولی فقط در مورد شهید مطهری می‌فرمایند که وقتی ایشان در کلاس درس حضور داشتند به من حال رقص دست می‌داد؛ چون احساس می‌کردم که هیچ مطلبی هدز نمی‌رود و یک نفر در کلاس هست که هر چه من می‌گویم با گریه پای خود آورده. از آن می‌فهمد، حضرت امام‌ره که با هیچ کس تعارفی نداشت در وصف ایشان می‌فرمایند: اگر قلم و زبان او بی‌استنا لبزنده و روان بخش است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای هم درباره‌ی ایشان می‌فرمایند: اکثر کسی آثار او (شهید مطهری) را با دقت و به طور کامل بخواند کافی است تا او را به یک سطح واقعی از معارف اسلامی برساند.

به نظر می‌آید که پاسخ سوال «چگونه پیش‌ها را درست کنیم؟» واضح شد یا مطالعه آثار شهید مطهری (ره).

در واقع مطالعه آثار شهید مطهری (ره) و چه می‌تواند «مسلمان بودن» را در تعریف هویت ما، معنادار می‌کند.

# پیشگامان فلسفی مکتب طهرانی، بنیان‌گذاران معرفت‌شناسی و روشنگر اندیشه‌ها معلم‌هایی موثر از والدین!

چندی پیش جهت مشورت و شرح و گزارش فعالیت‌های تربیتی مسجد مجوری که در حال انجام بودیم خدمت یکی از مدیران مدارس مسجد مجبور و صاحب نظر در امر تربیت، رسیدیم. بعد از کلی صحبت کردن با آب و تاب در مورد اقدامات و قدرت تکریم در مدارس و جذب دانش‌آموزان به مسجد فرمودند: همه کارهایتان بی‌فایده است!

وقتی چشموهای از حدقه درآمده همراه با تعجب و تراجیح‌ام را دیدند فرمودند: منظورم این است فعالیت‌های این سبکی شما دارای کمترین بازدهی است. چرا که شما تعداد محدودی هستید که در یک بازه زمانی محدود فعالیت می‌کنید در حالی که در مقابل شما تعداد قابل توجهی از معلولان و معاینین هستند که با سبک‌های فکری و اعتقادی مختلف هر روز با دانش‌آموزان سرو کار دارند و قدرت تأثیرگذاری شما در مقابل آن‌ها در بهترین حالت یک به صد می‌باشد!

دانش‌آموزان بیشترین تأثیر را از معلمی می‌گیرند که هر روز با او تعامل دارند و او را دارای قدرت علمی می‌دانند و مورد پذیرش قرار می‌دهند و اگر آن معلم هنرمند باشد و کمی محبت هم چاشنی فعالیت‌هایش بکند، دیگر تمام است! متأسفانه طبق آمار و گزارش‌ها که ما داریم اکثر معلمان دارای اعتقادات و رفتارهای صحیح و شرعی نمی‌باشند و همان‌ها را نیز به صورت خودآگاه و ناخودآگاه به دانش‌آموزان منتقل می‌کنند.

در آخر پیشنهاد دادند اگر دغدغه‌مند هستید و به فکر تأثیرگذاری خداگداری، مدرسه‌تاسیس کنید!

چندی بعد که کتاب ادب الهی آقا مجتبی‌تهرانی را مطالعه می‌کردم قسمتی از آن، خاطره فوق را برابم زنده کرد. دایره تربیت در محیط آموزشی حتی از محیط خانوادگی قوی‌تر است. گوش کنید! منشا روابط انسان‌ها در محیط خانوادگی غالباً محبت است. علاوه بر آن جنبه‌های مادی و مسئله‌سورستی نیز در آنجا مطرح است که این روابط را تنگنا می‌کند.

اما در محیط آموزشی علاوه بر همه این‌ها یک رابطه دیگر نیز وجود دارد که عبارت از «برتری علمی» استاد نسبت به شاگردان است. وقتی این احساس یا چاشنی محبت مخلوط شود، اثرگذاری استاد را خیلی بالا می‌برد. همین که انسان می‌گوید: «استاد بهتر از من می‌فهمد» کافی است که تمام رفتارها، خصلیات و اعتقاداتش را هم از او بگیرد.

کتاب ادب الهی، دفتر سوم، آقا مجتبی‌تهرانی، ص ۱۸۰



## شناخته‌شده:

کاغذ احوال،

هفته‌نامه انجمن علمی دانشجویی معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات

مدیر مسئول: سیدیحیی‌هاشمی تنگستانی

سر دبیر: داوود طالقانی

طراحی و صفحه‌آرایی: محمدرضا مهدیانی